

جوانی گشته‌ام بیست و سه ساله  
 سرم بین کتاب است و مقاله  
 گهی شعری نویسم روی کاغذ  
 و بعدش می‌کنم آن را مچاله  
 حکایت‌های خوبی یاد دارم  
 اگر گویم شود صدها رساله  
 بگویم با تو قدری از دل ریش  
 اگر خوانی شوی مغموم و واله:  
 برادرهای من هر یک به نوعی  
 گرفتارند از دست قباله  
 یکی مهریه‌اش را کرده قسطی  
 و هر دم می‌کند نفرین و ناله  
 و آن یک چون ندارد وضع خوبی  
 به زندان رفته و گشته نخاله  
 یکی از چاله‌ای افتاده در چاه  
 یکی از چاه افتاده به چاله  
 یکی ترسیده آنقدر از زن خویش  
 که می‌گوید «ستاره» را: ستاله!  
 عروسان نیز با این پول رفتند  
 کلاس آبروبیک و رقص باله  
 فراغت از تأهل نیست ممکن  
 گمانم هست آش کشک خاله



گیلدا خلیفه

بعد پنجم  
 بنخدم مردم



در کنار بنخدم مردم تسلیم کنید



@bode5tanz



@bodepanjom



جزوه‌های فایز یگزیره کند  
 فیاخوان مله کاریکاتور

یک قرن سکوت

باموضوع استعمارگری انگلیس و تحمیل فحطه بزرگ به ایران

آخرین مهلت ارسال آثار پنجشنبه ۳۰ دی ماه ۹۵  
 آدرس ارسال آثار yekgharnsokoot@gmail.com

بفرستید  
 ۴۹

آذر و دی ۹۵  
 Dec 2016